



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۱/۲۴

رفعت حسینی

فطرت بشاکی و تبار لسان پارسی

بشاک در لغتنامه معین، « بسیار دروغ گوی» معنی می دهد.

ومن اکنون فرا گرفته ام که برخی از آنانی که به فارسی سخن می گویند، بویژه سواد آموختگان و شعر خوانان، دروغ پردازان بی مثال هستند. افترا می پراکنند. تهمت پاش می دهند و پخش می کنند.

من به برخی از بشاکی های بعضی باسوادان در ایران و افغانستان اشارت می کنم:

/۱

به جلال الدین رومی لقب مولانا، به سعدی لقب شیخ و به حافظ لباس لسان الغیب، به بیدل کلاه ابوالمعانی را پوشانده اند. مگر اینها خیلی خرافه اندیش بودند و بهمین مناسبت در هجو بانوان شعر های فراوانی سرودند که در نگاشته های گذشته ام تذکار داده ام. مفهوم آن اینست که این شاعران، فرهنگ مدنی نداشتند و بنابراین شایسته برای این لقب ها ی جفنگ نیستند.

/۲

گستردن یاره ها و خزعبلات و چتیات ها درباره « خجستگی!» های لسان پارسی.

...

در دهه چهل خورشیدی در تهران، تبریز، شیراز و اصفهان ایران، درباره حافظ و جلال الدین رومی و سعدی و فردوسی، هزاران مقاله و کتاب منتشر شدند.

در افغانستان تنها یک کتاب « نقد بیدل» صلاح الدین سلجوقی چاپ شد. بس و خلاص.

بنیاد فرهنگ ایران بریاست داکتر پرویز ناتل خانلری، برای این نشرات پول بسیار هنگفتی

بنویسندگان ایرانی می داد و مشهور ترین نویسندگان ادبی ایران، بسبب همین حق التالیف خیلی بلند، مقاله ها و کتب بسیاری نگاشتند و دروغ های سترگ، افتراها و تهمت ها را، پراگندند.

نکته دردانگیز آنست که پس از فاجعه جهاد اسلامی در افغانستان و قدرت گرفتن سیاسی ملاهای تاجیک و آنانی که زبان مادری شان فارسی بود (ملا مجددی، ملا مسعود، ملا ربانی، ملا سیاف)

نوعی ناجوری در میان باسوادان افغانستان پخش شد:

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

تکرار نمودن و ادامه دادن بشاکی ها و تهمت پراگنی های ایرانی ها در مورد جلال الدین، سعدی، حافظ، جامی و بیدل.

یگان تا افغان پناهنده مفت خور در خارج، حتی بدان حد تهمت می گذارد که گویا مولوی را بار اول او بلسان انگلیسی ترجمه نموده است و ازین قبیل افتضاح ها و حرام زادگی ها و دون فطرتی ها و بی مایگی ها.

من پیشنهادی باین (((استادان !!!!!!))) ادبی تاجیک افغانستان دارم:

بجای جلال الدین خان رومی و سعدی آغابادار و حافظ صاحب و مرزا صاحب بیدل که در قعر قرون دفن شده اند و شعرهایی با نماد و آرایش فرهنگ متمدن و معاییر ارزشهای انسانی ندارند، بگیرند درباره آثار و اشعار شاعران سده بیست افغانستان (((دهل))) بزنند و مارا برقصانند!!!. مثال هایی برایشان می نویسم.

مطابق باین نمونه های «»«»«»«»«» از شاعران معاصر، شعر (((خجسته و شایسته))) همروزگار خود را در میکروفون پخش کنند تا ما نادانان ها بدانیم که با چنین شعرهای {هنری!!!!!!} در حال حاضر، در گذشته به یک ملیون!!!!!! یقین وحتی «ایمان! دینی» شعر معجزه گر!! داشته ایم.

مثال ها:

از میهن پرستی بارق شفیعی

.

کابل و مسکو

از مهر و محبت ثمر کابل و مسکو
وز وحدت دل ها اثر کابل و مسکو
صلحست و صفا از نظر کابل و مسکو
تا کابل و مسکو دو دل اهل و فایند
جز بر رخ هم بابا محبت نگشایند
بگذار بود باز در دل کابل و مسکو
تا در پی صلح بشری دست به کارند
جز دوستی خلق جهان کار ندارند
پر مهر تپد دل به پر کابل و مسکو
دل ها شده پیوند به پیمان مودت

یک جان به دو پیکر بدمیدست محبت
در دوستی بنکر هنر کابل و مسکو
نابود شود هر که به نیستی ماست
تا هست جهان شاهد همزیستی ماست
بوم وبر کوه و کمر کابل و مسکو (1)
////

از { پف های هوایی } خلیل الله خلیلی:

وطندار دلیر من بنام چشم مستت را
وطن در انتظار بازوی کشور گشای تست
به خاک افگن بخون تر کن ببادش ده در آتش سوز
ازین بدتر چه می باشد که دشمن در سرای تست
ز فریاد تفنگت جز صدای حق نمی آید
ز خیبر تا مدینه گوش ها وقف صدای تست
چه زیباتر ازین نقشی که ببند دیده تاریخ
که تو خنجر به کف دشمن فتاده زیر پای تست
خدا جویی وطنخواهی سرافرازی و آزادی
بخون شیرمردان نقش بر روی لوای تست
/

و همین شیر ادبیات!! افغانستان خلیلی به جنرال ضیاالحق پاکستانی چنین ندبه وزاری وسجده

می کند که بافغانستان هجوم بیاورد:

شو ضیا الحق چراغ آرزوی مسلمین
علمدار مسلمان شو مهین سرباز دین
جانشین شیر یزدان شو، در خیبر گشا
در مقام خالدی، میدان محشر آفرین
مسند محمود غازی، شهبوار بت شکن
آنکه میلرزد از وی هند تا دریای چین
پایمال لشکر این بی خدایان تا به کی
ای تو محمود بزرگ بت شکن را جا گزین

حالت امروز ما آینه ی فردای تست
ای ضمیر روشنت با پرتو ایمان قرین

\\\\\\

عبد الله نایبی یکی از سر سپردگان رژیم دست نشانده روس سروده یی دارد تحت عنوان " سپاهیان انقلاب. "

این (((((زهر!!!!!!))))))، این شعر بی مایه، سالها همه روزه، از طریق رادیو و تلویزیون پخش می شد:

درود آتشین به راهیان انقلاب!
درود بر شما ! سپاهیان انقلاب!
شما که با درفش سرخ حزب تان
به جنگ بی امان می روید....
درود بر شما فدائیان انقلاب
شما زگرمی فضای دوستان
زناز شوخ دختران شهر تان بریده اید
شما دگر حماسه های انقلاب می شوید
شما دگر فراز قله های آسمانی وطن
ستاره های بی نقاب می شوید
شما دگر نگاه آفتاب می شوید
درود بر شما ! سپاهیان انقلاب
کابل 20 - 2 - 1360